



# نقش دولت در توسعه آموزش کارآفرینی

● سازمانهای مشاوره‌ای؛  
● موسسات آموزشی خودگردان در زمینه کسب و کارهای کوچک (اداره بین‌المللی کار، سال ۱۹۹۸، ص ۱)  
آموزش کارآفرینی لازمه توسعه کارآفرینی است و بر همین اساس دولتها بایستی در زمینه سیاستگذاری و اجزای برنامه‌های آموزشی کارآفرینی ابفای نقش کنند. به‌طور کلی می‌توان نقش سیاستگذاری و اجرایی دولتها در توسعه آموزش کارآفرینی را با توجه به تجربه کشورهای مختلف در موارد ذیل بیان کرد:

## ۱ - فرهنگ‌سازی و ترویج روحیه کارآفرینی

ایجاد و تقویت ارزشها، نگرشها و رفتارهای کارآفرینانه، به‌طور کلی تحت عنوان فرهنگ‌سازی کسب و کار، از مولفه‌های اصلی استراتژی دولتها در توسعه کارآفرینی است. این هدف عمدتاً در قالب سیاستها و برنامه‌های تشویقی - ترویجی - آموزشی و در کلیه سطوح و لایه‌های اجتماعی پیگیری می‌شود.  
فرهنگ‌سازی موردنظر در بستری از همکاری دولت و بخش خصوصی صورت می‌گیرد. برنامه‌های متعددی در کشورهای مختلف و در زمینه فرهنگ‌سازی در جریان است. بخش اصلی بار فرهنگ‌سازی بر دوش نظام آموزشی و بخش دیگری از آن بردوش رسانه‌های جمعی است.

نکته‌ای که در خصوص فرهنگ‌سازی مورد تاکید سیاستگذاران توسعه کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته قرار دارد، طبیعت طولانی مدت نتیجه‌گیری از این برنامه‌هاست. فرهنگ واقعی کسب و کار در یک فرآیند طولانی مدت صورت می‌گیرد و از برنامه‌های فرهنگی نیابستی نتایج آنی انتظار داشت. به همین خاطر و نیز به دلیل اینکه برگشت سرمایه‌گذاری در برنامه‌های فرهنگی اصولاً برحسب آمار و ارقام مالی - پولی اندازه‌گیری نمی‌شود، شاخصهای قطعی برای ارزیابی برنامه‌های فرهنگی تدوین نشده‌اند.

از نظر سازمانی، الگوی مورد عمل در کشورهای توسعه یافته، عدم تمرکز برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگ‌سازی در یک تشکیلات واحد بوده است. فرهنگ به دلیل پیچیدگیها و ظرافتهای باطنی آن بیش از هر مولفه دیگری در استراتژی توسعه کارآفرینی نیازمند مشارکت اقشار و افراد

سیدمحمد مقیمی  
عضو هیات علمی دانشگاه تهران

دکتر محمود احمد پورداریانی  
عضو هیات علمی دانشگاه امیرکبیر

### مقدمه

کارآفرینی به‌عنوان عامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی در عصر مدرن شناخته شده است و در مرکز رقابت بین‌المللی، شرکتهای کارآفرینانه هستند که لبه نیز رقابتی آنها معطوف به انعطاف سازمانی و استراتژی تغییر مستمر در فرآیندها، محصولات و طرحهاست. (پروکوپنکو و پاولین، سال ۱۹۹۱، ص ۷)

طی چند ساله گذشته، دولتها به‌طوری جدی به تشویق کارآفرینی پرداخته‌اند، زیرا کارآفرینی موجب بهره‌مندی مردم و کشور می‌شود. قبل از آنکه مردم بتوانند کاری را شروع کنند، باید دارای سرمایه، تکنولوژی، تسهیلات لازم برای تولید کالا و نیروی کار مناسب باشند. همچنین باید دارای روحیه مناسب و شرایط روانی متعادل برای موفقیت در کارآفرینی باشند.

باآگاهی از نیازهای کارآفرینان و مشاغلی که نیاز به حمایت دارند، به نظر می‌رسد که دولت در بهترین موقعیت برای تعیین سیاست و طراحی برنامه‌ها با هدف تشویق کارآفرینی باشد. دولت از طریق اعمال خط‌مشی در وزارتخانه‌ها و موسسات می‌تواند موجب شکوفایی کارآفرینی شود.

امروزه تجربیات فراوانی در سراسر دنیا راجع به طراحی برنامه‌ها، ارتقا و ایجاد انگیزه و کمک به کارآفرینی وجود دارد. چنین تجربیاتی فقط منحصر به آمریکا نیست، بلکه در آسیا، داستانهای زیادی در رابطه با توسعه کارآفرینی از طریق مراکز متعدد وجود دارد. در چنددهه گذشته، در اروپا برنامه‌های آموزشی کارآفرینی

مستوعی در سطح وسیع بر روی گروههای مختلفی انجام گرفته است. علاوه برآن، حوادث مهمی که در اروپای شرقی و مرکزی اتفاق افتاد، رشد قابل ملاحظه‌ای را در توجه به ارتقا و توسعه کارآفرینی به‌عنوان مکانیسم اصلی ایجاد و پس‌ریزی اقتصاد بازار و دموکراسی نوین موجب شده است. (اداره بین‌المللی کار، سال ۱۹۹۸، ص ۱)

با توجه به نظریات جدید در مدیریت دولتی، که تحت عنوان مدیریت گرایسی (MANAGERIALISM) مطرح است، دولتها باید در جهت کاستن از تصدی‌گری گام بردارند و عمدتاً بر اعمال حاکمیت متمرکز شوند. در زمینه آموزش کارآفرینی نیز براساس دیدگاه مدیریت‌گرایی، انتظار نیست که دولت به‌طور مستقیم درگیر آموزش کارآفرینی شود، بلکه باید ضمن ابفای نقش سیاستگذاری، با حمایتها و پشتیبانیهای خود، در جهت رشد و توسعه کارآفرینی در جامعه بکوشد.

دولت می‌تواند برای آموزش کارآفرینان و صاحبان کسب و کارهای کوچک با تسهیل امکانات لازم، از طریق منابع مختلفی به این مهم دست یابد:

- سازمانهای غیر دولتی (NGOs)
- موسسات آموزشی دولتی و دانشگاهها؛
- سازمانهای محلی (حکومت‌های محلی)؛
- موسسات آموزشی خصوصی؛
- اتاق‌های بازرگانی و تجاری؛
- موسسات توسعه مدیریت؛
- انجمنهای بازرگانی؛

است تا از طریق این مشارکت، امکان نهادینه کردن تنوعات فرهنگی و ارزشهای مثبت نهفته در خرده فرهنگها تامین شود. بنابراین در گروه کشورهای مورد مطالعه، سازمان و نهاد معینی در امر فرهنگسازی ایجاد نشده و این مسئولیت بین سازمانها و نهادهای مختلف توزیع شده است (بررسی ترویج کارآفرینی در چند کشور، سال ۱۳۷۸، صص ۶-۱۷۵).

کشف مجدد کارآفرینی در سالهای اخیر و نقش دولت موجب شده است که جامعه سنگاپور کارآفرینی را بهتر بشناسد و در نظام آموزشی، الگوهای نقش هنوز هم به عموم مردم و به نسل جوان نشان داده می‌شوند. همچنین جوایز متعدد به کارآفرینان اعطا می‌شود و آنها از طریق رسانه‌های جمعی به عموم شناسانده می‌شوند. چند نمونه از برنامه‌های اعطا جوایز و معرفی کارآفرینان عبارتند از:

● اعطا جایزه سال به کارآفرین نمونه توسط مرکز توسعه کارآفرینی دانشگاه تکنولوژی «نانیانگ» (NANYANG)

- جایزه ویژه «بیزینس تایمز» و (DHL) برای شرکت کارآفرین نمونه سال؛
- بخش یک برنامه تلویزیونی در سال ۱۹۹۶ برای تشریح زندگی کارآفرینان برجسته؛
- چاپ نشریات متعددی که در آنها ماجرای موفقیت کارآفرینان به تفصیل شرح داده شده است (بررسی وضعیت توسعه و ترویج کارآفرینی در چند کشور، سال ۱۳۷۸، صص ۱۱۱-۱۱۰).

## ۲- اصلاحات ساختاری و نهادسازی

منظور از اصلاحات ساختاری عمدتاً ناظر بر اصلاح در قوانین، مقررات و چارچوبهای حقوقی حاکم بر ابعاد مختلف، تاسیس و راهبری کسب و کارهاست. مهمترین این قوانین عبارتند از: مقررات ثبت و تاسیس شرکتها و تعیین ماهیت حقوقی آنها و روابط موسسان، قانون مالیاتها و قوانین کار و قوانین رقابت.

هدف از اصلاحات ساختاری در این کشورها اطمینان از انطباق چارچوب قانونی - حقوقی با نیازها و ضرورتهای توسعه کارآفرینی در مقاطع مختلف زمانی است و عمدتاً با هدف بهبود فضای قانونی - حقوقی به نفع کسب و کارهای جدید، نوآور و در حال رشد صورت می‌گیرد. در این مولفه از توسعه کارآفرینی، اگرچه بار اصلی برنامه‌ها و فعالیتهای اجرایی بردوش نظام دولتی قرار دارد، اما خاستگاه اصلاحات، تعاملات و

مذاکرات منظمی است که بین دولت و تشکیلات و انجمنهای کارآفرینان صورت می‌گیرد. بنابراین باافزایش میزان مشارکت اجتماعی در استراتژی توسعه کارآفرینی، داده‌های عینی‌تر و بیشتری برای انجام اصلاحات لازم در مقررات و قوانین فراهم می‌گردد. در بین کشورهای مورد مطالعه، آمریکا و کانادا نسبت به سایر کشورها در اصلاحات ساختاری جلوتر بوده و این موضوع به دلیل نظام فدراتیو حاکم بر آنهاست که امکان مشارکت دوفراشه‌ترین مناطق را نیز در اصلاحات ساختاری فراهم می‌آورد. آمریکا دارای یکی از مفضلترین الگوهای طبقه‌بندی کسب و کار است که برای منظوره‌های مختلفی همچون اخذ مالیات، شرکت در مناقصات دولتی، بهره‌مندی از وامها و اعتبارات دولتی منعطف بوده و بر کارکرد مورد انتظار انواع حمایت‌های قانونی - حقوقی تأثیری مثبت دارد.

در این مولفه از استراتژی توسعه کارآفرینی علاوه بر اصلاحات ساختاری، نهادسازی نیز به عنوان عنصری لاینفک مورد توجه است. تلقی عمومی در این گروه از کشورها نیاز به نهادهای متناسب برای پیگیری سیاستهاست و بنابراین نهادسازی مستمر در سطوح مختلف پیگیری می‌شود. جرم آوری بسیاری از ادارات و وزارتخانه‌های فدرال و منطقه‌ای ایالتی در کانادا زیر چتر "INDUSTRY PORTFOLIO" مثالی از نهادهای نوآبخشی است که در جهت توسعه کارآفرینی ضروری محسوب می‌گردد.

به‌طور کلی رویکرد به توسعه کارآفرینی در کشورهای مورد مطالعه (بخشی - وظیفه‌ای = SECTORAL - FUNCTIONAL) نبوده، بلکه از یک ماهیت (منطقه‌ای - چندبخشی = REGIONAL - MULTIFUNCTIONAL) برخوردار است. در این رویکرد برای توسعه کارآفرینی تشکیلاتی نوآبخشی سازمان داده می‌شود که وزارتخانه‌ها و ادارات فدرال و محلی مختلف در آن حضور داشته و در امر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مشارکت دارند. باین ترتیب مشارکت عمومی در تعیین اهداف و سیاستها تضمین می‌گردد. در عین حال در ابعاد اجرایی برنامه‌ها و سیاستها می‌توان شاهد تمرکزگرایی در نهادهای مسئول بود. نهادها و تشکیلات اجرایی، سیاستها و برنامه‌های توسعه کارآفرینی در گروه کشورهای مطالعه از الگوی تقریباً یکسانی برخوردار است. در این الگو مرکزی ایجاد می‌گردند تا به‌عنوان اولین ایستگاه

مراجعه کارآفرینان، خدمات تعریف شده در برنامه‌های اجرایی توسعه کارآفرینی را به آنها ارائه می‌دهند. این خدمات عموماً در مولفه‌های مشاوره فنی - حقوقی - تجاری، آموزش و مشاوره مالی یا حمایت مالی - اعتباری است. در سطح بالاتری از این مراکز، تشکیلاتی سازمان داده می‌شوند که در یک تقسیم‌بندی می‌توان آنها را دو دسته کرد. دسته اول تشکیلات سطح بالاتر، مراکزی هستند که خدمات اختصاصی برای گروههای خاص کارآفرینان نظیر زنان، جوانان، بیکاران، بازنشستگان، صادرکنندگان را ارائه می‌دهند و بنابراین در صورتی که کارآفرین متعلق به هر یک از این اقشار در برآوردن نیازهای خود طی مراجعه به مراکز عمومی واقع در سطح قبلی ناکام بوده باشد، این امکان فراهم می‌گردد تا مجدداً و از زاویه‌ای اختصاصی‌تر خدمات مورد نیاز وی تامین شود.

دسته دوم از تشکیلات سطوح مذکور، مراکزی هستند که از دانش فنی و نیروی انسانی کارآمدتری برخوردار بوده و برای برآوردن نیازهای کاملاً اختصاصی کارآفرینان تشکیل می‌گردند. در یک مقایسه می‌توان کارکرد این تشکیلات سطح دوم را به رابطه پزشکان عمومی، یا پزشکان متخصص تشبیه کرد.

علاوه بر اینها نهادسازی و اصلاحات ساختاری با هدف تجهیز منابع مختلف جامعه و هدایت آنها برای توسعه کارآفرینی بوده، فرهنگسازی و آموزش کارآفرینان در جهت تقویت توان و ظرفیت بهره‌برداری آنها از منابع تجهیز و هدایت شده برای جویبگویی به فرصتهای اقتصادی صورت می‌گیرد و فصل مشترک و حلقه پیونددهنده این دو مولفه، انواع تمهیدات مالی و اعتباری و خدمات مشاوره‌ای است که در مراکز خدمات‌رسانی کارآفرینی سازمان داده می‌شوند.

اولین بخش از خدماتی که در قالب استراتژی توسعه کارآفرینی برای کارآفرینان فراهم می‌شود انواع حمایت‌های مالی - اعتباری است که به شکل اعطای وام یا اعتبار مستقیم، تضمین بازپرداخت وامها و اعتبارات مورد تقاضای کارآفرینان از بانکها و موسسات تجاری، تامین بخشهای خاصی از وامها و اعتبارات لازم و ارائه امتیازاتی در بازپرداختهاست (بررسی توسعه و ترویج کارآفرینی در چند کشور، سال ۱۳۷۸، صص ۷۸-۱۷۶).

# MANAGERIALISM



## ۳ - ایجاد موسسات آموزشی دولتی - خصوصی

به طور کلی از آنجا که در کشورهای در حال توسعه که دیگر کشاورزی نمی‌تواند اشتغال را برای جمعیت زیادی فراهم کند و از سوی دیگر فراگیر کارهای سودآور هم فقط برای عده‌ای مسدود امکان‌پذیر است، به نظر می‌رسد که آموزش کارآفرینی راه حل مطلوبی برای مشکلات اشتغال و بهره‌وری در جامعه باشد. تعداد وسیعی از مردم که در نقاط جغرافیایی متعددی پراکنده هستند، در این رابطه باید آموزش ببینند و هزینه آموزش آنها نیز نسبتاً زیاد است. بنابراین، این سوال پیش می‌آید که واقعا این وظیفه از چه طریقی اجرا شود؟

در اکثر کشورها، آموزش کارآفرینی از طریق نهادهایی انجام می‌شود که بعضاً تحت نظارت دولت هستند. به عنوان نمونه در هند موسساتی مانند: NIESBUS, EDI موسسات آموزشی ایالتی، SISI در سطح مرکزی، تلاشهای قابل ملاحظه‌ای برای اداره برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت با توجه به گروههای هدف مورد آموزش، صورت می‌گیرد و در حال حاضر تحقیقات و آموزش در این موسسات در سطح خوبی انجام می‌شود و علاوه بر آن آموزش کارآموزانی که می‌توانند در نقاط مختلف کشور کار کنند، اثربخشی این آموزش را دوچندان کرده است.

موسسه توسعه کارآفرینی هند EDII به عنوان یک موسسه معتبر ملی شناخته می‌شود که به آموزش کارآفرینان می‌پردازد. این موسسه که با نظارت دولت فعالیت می‌کند، از سوی

موسسات مالی هند، بانک توسعه صنعتی هند، شرکت تامین مالی صنعتی هند، شرکت سرمایه‌گذاری و اعتباری هند و بانک ایالتی هند حمایت و پشتیبانی می‌شود. علاوه بر آن فرماندار گجرات نزدیک به ۲۳ هکتار زمین در اختیار این موسسه قرار داده است.

این موسسه پیشگام جنبش کارآفرینی در سراسر کشور هند به شمار می‌رود و این ایده را دنبال می‌کند که کارآفرینان لزوماً کارآفرین متولد نمی‌شوند، بلکه کارآفرینی را باید از طریق فعالیتهای مدون و مناسب آموزش داد. این ایده به نوبه خود به ارائه برنامه‌های متعددی برای آموزش کارآفرینی منجر شده است.

برنامه‌های موسسه توسعه کارآفرینی هند به حدی گسترده است که فقط با تلاش و همکاری اعضا انجام می‌شود. این موسسه با طیف وسیعی از سازمانها و موسسات متعهد به توسعه کارآفرینی رابطه نزدیک داشته و برنامه‌های آن از سوی موسسات و نهادهای متفاوتی تحت پشتیبانی و حمایت قرار می‌گیرد. اعضای هیات علمی این موسسه از بهترین و مجربترین استادان دنیا بوده و در رشته خود دارای مطالعات، تحقیقات و تجربیات وسیعی هستند.

به‌مرحال موسسه توسعه کارآفرینی هند با حمایت و پشتیبانی دولت و سازمانهای دولتی، از محیط فیزیکی مناسب، مرکز اطلاعات و کتابخانه، مرکز کامپیوتر و انتشارات برخوردار است و علاوه بر آن نوارهای ویدئویی ارزشمندی در رابطه با کارآفرینی تهیه کرده است (بسررسی توسعه و...، سال ۱۳۷۸، صص

۹۲-۸۵).

## ۴ - پرورشگاههای کسب و کار کوچک

پرورشگاه کسب و کارها معمولاً فضایی با بخشهای کوچکتر است که این بخشهای کوچکتر فضای لازم برای پرورش کسب و کار جدید را فراهم می‌کنند.

هدف از تاسیس پرورشگاههای کسب و کار، افزایش نرخ تاسیس کسب و کارهای جدید و کاهش نرخ مرگ و میر کسب و کارها و تسهیل فرآیند رشد این کسب و کارهاست.

ایجا پرورشگاه یا بایستی توسط دولت صورت گیرد و با حمایت مالی و غیرمالی دولت و توسط بخش خصوصی با مشارکت دولت ایجاد گردد.

روال کاری پرورشگاه بدین صورت است که

بر اساس معیارهایی نظیر توان اشتغالزایی، توان رشد سریع، میزان استفاده از تکنولوژی‌های نوین، وجود یا عدم وجود یک طرح تجویی، ساختار مناسب، نوآورانه بودن طرح و نیاز به شروع آن، پرورشگاه اقدام به پذیرش کارآفرینان می‌کند. پرورشگاهها علاوه بر فضای فیزیکی که برای شروع فعالیت کارآفرین تامین می‌کنند، در نقش مشاوره‌ای و ارتباط‌دهنده کارآفرین با شبکه روابط اجتماعی - اقتصادی بین کسب و کارها عمل می‌کنند.

در انگلیس پرورشگاههای متعددی وجود دارد که هر پرورشگاه هیئت امنایی دارد که از ائتشار مختلف اجتماعی نظیر کارآفرینان، صاحبان صنعت و تجارت و نیز مراکز دولتی و

مورد نیاز صنایع کشورها، مراکز آموزشی و دانشگاهها، نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کنند، که این مراکز آموزشی و دانشگاهها عموماً دولتی هستند.

در سنگاپور، دوره‌های آموزشی متعددی درخصوص کارآفرینی توسط دانشگاهها و موسسات پسلی تکنیک برگزار می‌شود. موسسه‌های آموزشی دانشگاهی و آژانس‌های دولتی نیز تعدادی از برنامه‌های کوتاه‌مدت را در ارتباط با این رشته ارائه می‌دهند. یکی از مراکز آموزشی که در زمینه آموزش کارآفرینی نیز فعالیت می‌کند، دانشگاه «نایانگ» است. یکی از برنامه‌های درسی مهم این دانشگاه، برنامه توسعه مهارت‌های شخصی است. در این برنامه درسی، شرکت‌کنندگان به منظور تکمیل دانش فنی موردنیاز خود، مهارت‌های شخصی مهم را فرا می‌گیرند و توسعه مهارت‌های مهمی نظیر کارآفرینی و خلاقیت مورد تاکید واقع می‌شود. یکی از تکالیف محوله به شرکت‌کنندگان، پروژه توسعه یک کسب‌وکار است که از طریق آن، مهارت‌های کارآفرینانه فراگرفته می‌شود (بررسی توسعه و... سال ۱۷۸، ص ۱۱۶)

در فیلیپین نیز در اواخر دهه ۷۰ میلادی، دانشگاه فیلیپین، موسسه صنایع کوچک را تحت

پوشش دانشکده مدیریت بازرگانی تاسیس کرد که مسئولیت اصلی آن انجام تحقیقات، آموزش و خدمات توسعه صنعتی بود. در سالهای بعد نیز سایر دانشگاهها با پیروی از الگوی دانشگاه فیلیپین، در جهت آموزش کارآفرینی، گامهایی برداشتند.

تلاش دانشگاهها به این نتیجه ختم شد که موسسات در تهیه و برگزاری برنامه‌های خود نه تنها از منابع دانشکده‌های بازرگانی بلکه از منابع دانشکده‌های مهندسی، حقوق و سایر دانشکده‌های حرفه‌ای استفاده کردند. البته در این رابطه علی‌رغم تلاشهای فوق، دانشکده‌ها و دانشگاههای فیلیپین تلاش فعال در این زمینه نداشتند و از مداخله مستقیم در پروژه‌های مربوطه دوری می‌جستند.

علاوه بر تلاشهای انجام شده در سطح دانشگاه برای ترویج کارآفرینی و صنایع کوچک، در سطح دبیرستان هم فعالیتهای به عمل می‌آمد که برای مثال معرفی و شناساندن مدیریت ریسک‌پذیر و کارآفرین در سطح دبیرستان در شهر «لیست» در سال ۱۹۷۷ نمونه‌ای از این مورد است.

## کار آفرینی به عنوان عامل کلیدی توسعه اقتصادی در عصر مدرن شناخته شده است.

آموزش کار آفرینی لازمه توسعه کار آفرینی است و لذا دولت‌ها باید در زمینه سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های آموزشی ایفای نقش کنند.

فرهنگ‌سازی کسب و کار از مولفه‌های اصلی استراتژی دولت‌ها در توسعه کار آفرینی است.

فرهنگ‌سازی در کسب و کار در بستری از همکاری دولت و بخش خصوصی تحقق می‌یابد.

عرف نسبت به اخذ هزینه‌ها از کارآفرینان اقدام می‌کنند. آنچه در این مراکز اصل شمرده می‌شود، فضایی سوشال از موفقیت برای کارآفرینان است (بسررسی توسعه و... سال ۱۳۷۸، صص ۵۸-۵۶).

### ۵- آموزش کارآفرینی

دولت از طریق وزارت آموزش و پرورش و سیستم آموزشی و موسسات وابسته به آن می‌تواند مفهوم کارآفرینی را از نظر اقتصادی و اجتماعی معرفی کند، باینکه مبحث توسعه کارآفرینی می‌تواند به عنوان یکی از دروس به دانش‌آموزانی که تمایل به درک کارآفرینی دارند، آموخته شود تا بتوانند قابلیت‌های خود را ارزیابی کنند.

برای ارتقا کارآفرینی، می‌توان ابزار آموزشی با موضوع کارآفرینی را در میان دانش‌آموزان توزیع کرد. کتابها، جزوات، راهنماها و ماخذهای چگونگی شروع و مدیریت موسسات می‌توانند در مدارس و کتابخانه‌ها توزیع شوند. بدین ترتیب دانش‌آموزان آگاه‌تر شده و در زمان شروع کار خود آمادگی بیشتری خواهند داشت.

مدارس نیز باید از دانش‌آموزانی حمایت کنند که روحیه و توان کارآفرینی دارند. آنان باید تشویق شوند و در نتیجه پس از فارغ‌التحصیلی، به جای جویندگان کار، افرادی را خواهیم داشت که خود می‌توانند کار جدیدی را شروع کنند (سالازار، سال ۱۳۷۶، صص ۲۴-۲۳).

در راستای بهبود نیروی انسانی کارآفرین

مالی - اعتباری تشکیل می‌شود و هدف از آن ورود تجارب مختلف به فضای کاری پرورشگاه است.

پرورشگاهها در انگلیس در ارتباط نزدیکی با اتحادیه پارکهای علمی انگلیس، مراکز نوآوری و کسب و کارهای انگلیس، شبکه کسب و کارهای اروپایی و نیز مراکز خدمات کسب و کار قرار دارند. خدماتی که این پرورشگاهها ارائه می‌دهند، عبارتند از:

- کمک به تشکیل کسب و کارهای جدید و حمایت از حیات کسب و کارهای تازه تشکیل از طریق مشاوره با همکاری و اجرای مشترک؛
- تامین اطلاعات بهترین شیوه‌های عمل در ارتباط با تامین مالی، مدیریت، بازاریابی و انتقال تکنولوژی؛
- تشویق و حمایت از مشارکت دانشگاهها، مدارس و مراکز آموزش کسب و کار شرکتهای سرمایه‌گذار و شرکتهای تجاری با کارآفرینان؛
- معرفی شرکتهای تازه تشکیل به جامعه از طریق شبکه ارتباطی پرورشگاه با دیگر مراکز؛
- تعیین استانداردهای آموزشی و مساعدت در کشف منابع جدید مالی؛
- جستجوی فرصتهای جدید کسب و کار و اشکال جدید کسب و کار؛
- مسئله حائز اهمیت در تاسیس پرورشگاهها، توجه به این نکته است که اصولاً فعالیت این مراکز متنی بر پرداخت سوبسید به کارآفرینان نیست. بلکه گاهی اوقات تجاری و مطابق با

# MANAGERIALISM



سیستم رسمی آموزش فیلیپین بیشتر معطوف به تربیت فارغ‌التحصیلانی بود که بیشتر به دنبال پیدا کردن کار باشند، تا اینکه خود کار و شغل ایجاد کنند. این رویکرد ازسویی باعث رشد صنایع بزرگ می‌شد که بیشتر سرمایه‌بر بودند تا کاربر و از سوی دیگر نسبت مهاجرت را افزایش می‌داد. بنابراین، تلاش دانشگاه‌ها برای ترویج کارآفرینی و رشد صنایع کوچک می‌تواند باعث شود که اولاً زمینه اشتغال در سطح کشور فراهم شود و ثانیاً میزان مهاجرت به شهرهای بزرگ کاهش یابد.

در راستای تلاش مزبور، مدیران و مسئولان دولتی با کمک اسنادان دانشگاه یک برنامه آموزشی برای یک درس سه واحدی تحت عنوان مدیریت ریسک‌پذیر طراحی کردند که اهم عناوین مطرحه در این برنامه عبارتند از: عوامل رفتاری در پرورش و بهبود مدیریت ریسک‌پذیر، عوامل محیطی و شرایط موثر بر اجرای مدیریت ریسک‌پذیر در فیلیپین، نقش مدیران ریسک‌پذیر در توسعه اقتصادی، مسئولیتها و تعهدات اجتماعی یک مدیر ریسک‌پذیر، تعیین اهداف ریسک و خطر در امور بازرگانی.

دانشکده‌های بازرگانی نیز در رشته مدیریت بازرگانی در سطح کارشناسی ۲۴ واحد درسی ارائه می‌دهند که با مدیریت ریسک‌پذیر و

کارآفرین و مدیریت واحدهای بازرگانی و صنعتی کوچک ارتباط مستقیم دارد. در این کشور یک کتاب‌شناسی درمورد مدیریت ریسک‌پذیر و مدیریت واحدهای کوچک تهیه شد که بین

دانشگاهها و مراکز آموزشی توزیع گردید. در ضمن برای رشته‌های مربوطه یک کتاب درسی مدیریت ریسک‌پذیر تحت عنوان «آنترتکست» (ENTRETEXT) تهیه شد.

همچنین برای پرورش، بهبود و توسعه منابع انسانی، از روش «برانگیختن نیل به هدف» استفاده می‌شد و این روش زمینه مناسب را برای ایجاد واحدهای کوچک و یا داشتن سبک مدیریت ریسک‌پذیر و کارآفرین آماده می‌کند و با اینکه در نهایت آنها را برای استخدام شدن در سایر واحدها آماده می‌کند (بررسی توسعه و...، سال ۷۸، صص ۲۵-۱۲۴)

در استرالیا وزارت آموزشی فنی و حرفه‌ای بزرگترین آموزش‌دهنده مدیریت و کارآفرینی در استرالیاست و براساس توصیه‌های زیر عمل می‌کند:

- ارتقا ظرفیت برای ارائه دروس توسعه مدیریت و ایجاد مشوقهایی برای بهبود کیفیت؛
- اعطا گواهینامه صلاحیت به کارآموزان و مشاوران شرکتهای کوچک؛

- ایجاد نشستهای حضوری و ارائه کمکهای مالی؛

- استفاده از وسایل کمک آموزشی پیشرفته برای آموزش و استفاده از فناوریهای اطلاعاتی برای مبادله اطلاعات در سطح سازمانی و فراسازمانی.

به‌طورکلی حیطه فعالیت وزارت آموزش فنی و حرفه‌ای مربوط به بهبود موارد زیر برای مدیران است:

۱ - مهارتهای انسانی؛ ۲ - مهارتهای رهبری؛ ۳ - مهارتهای استراتژیک؛ ۴ - گرایش بین‌المللی؛ ۵ - کارآفرینی؛ ۶ - گسترش تخصصهای حرفه‌ای؛ ۷ - مرتبط کردن مهارتها با سازمان؛ ۸ - استفاده از منابع متفاوت.

علاوه بر آموزشهای رسمی و کلاسیک که به مدیران صنایع ارائه می‌شود، برگزاری سمینارها هم در این رابطه قابل ذکر است. برای مثال، دولت استرالیا در سال ۱۹۹۸ نشستی متشکل از ۱۱۰ هیئت اعزامی از موسسات کوچک تشکیل داد که مسائل زیر به‌طور مفصل در آنها بررسی شد: اصلاح ساختار مالیات، مسائل مربوط به کاغذبازی و موانع اداری، تورسم و گردشگری، توسعه مهارتهای مدیران موسسات کوچک، مقررات صادرات برای موسسات کوچک، خط‌مشی و سیاستهای دولت و مسائل منطقه‌ای.

علاوه بر این، دولت استرالیا علاوه بر آموزش، زمینه لازم را برای تحقیق هم فراهم می‌کند. دولت «برنامه تحقیقات موسسات کوچک» را برای ایجاد یک پایگاه آماری جامع قابل اعتماد و درازمدت راجع به موسسات کوچک ایجاد کرد. این اطلاعات به موسسات کمک می‌کند که در فعالیتهای الگوبرداری خود موفق باشند. این اطلاعات و تجربه و تحلیل آنها شناخت بهتر مسائل سیاستگذاری شرکتهای بینر خواهد شد. یکی از اهداف اصلی این برنامه انجام تحقیقات مقطعی یا طولی راجع به عملکرد موسسات است (بررسی توسعه و...، سال ۷۸، صص ۹-۷۸).

تحقیقات کانادا اجرا می‌گردد اشاره کرد که طی آن ۲۵۰ مشاور فنی برجسته در ۱۴۰ موسسه و سازمان دولتی و خصوصی کمک و مشاوره در اختیار کسب‌وکارها قرار می‌دهد.

بانک توسعه کسب‌وکارهای کانادا وظیفه حمایت مالی از کارآفرینان بالفعل و بالقوه را برعهده دارد. و علاوه بر آن در مشاوره با کارآفرینان در خصوص مدیریت مالی نیز مشارکت دارد (بررسی توسعه و... سال ۱۳۷۸، ص ۲۷). دولت فیلیپین نیز برای مشاوران و کارگران متخصص در موسسات کوچک دوره‌های آموزشی برگزار می‌کند. موسسات دولتی که این‌گونه خدمات را ارائه می‌دهند عبارتند از: انستیتو IIP برای صنایع کوچک، مراکز مشاوره‌ای مشاغل کوچک، شورای نیروی انسانی و جوانان ملی و مرکز طراحی فیلیپین (سالازار، سال ۱۳۷۶، ص ۲۷).

#### ۸ - نقش اطلاع‌رسانی دولت

به‌طور خلاصه باید گفت که اطلاعات برای بقای کسب‌وکار، درعین حال برای رشد توسعه آن اهمیت حیاتی دارد. آمار به‌دست آمده از ایالات متحده تأکید می‌کند که «فقدان اطلاعات» می‌تواند به هزینه کردن بیش از حد یا سرمایه‌گذاری بیش از حد دارائیا منجر گردد. کارآفرین باید اطلاعات داشته باشد تا براساس آن استراتژی‌های آینده خود را بنا کند. هرچه کسب‌وکار پیچیده‌تر باشد، سیستم اطلاعاتی اهمیت بیشتری می‌یابد. یک استراتژی غیرسودآور (استراتژی ضعیف سرمایه‌گذاری) ممکن است مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم به شکست کسب‌وکار بینجامد.

باتوجه به اهمیت فوق‌العاده اطلاعات در ایجاد و اداره کسب‌وکارهای کوچک، در بسیاری از کشورهای دنیا، دولت و سازمانهای وابسته به دولت چنین رسالتی را برعهده دارند.

به‌عنوان نمونه در کشور کانادا، وزارت صنایع، بانک اطلاعاتی کسب‌وکارها را بر روی اینترنت راه‌اندازی کرد که «STRATEGIS» نام دارد و طیف وسیعی از اطلاعات تجاری، فنی و مدیریتی بر روی آن در دسترس کارآفرینان قرار می‌گیرد. علاوه بر این مرکز خدمات کسب‌وکارهای کانادا، به‌عنوان نقاط خدمات جامع، انواع خدمات و حمایت‌های اطلاعاتی را به کارآفرینان ارائه می‌کنند. این مراکز دفاتر متعددی در ایالت‌های مختلف که محل مراجعه مستقیم کارآفرینان محسوب می‌گردد، هزینه این مراکز

**بخش اصلی بار فرهنگ‌سازی پرورش نظام آموزشی و بخش دیگری از آن پرورش رسانه‌های جمعی است.**

**هدف از تاسیس پرورشگاههای کسب و کار افزایش نرخ تاسیس کسب و کارهای جدید و تسهیل فرآیند رشد آنهاست.**

**دولت از طریق آموزش و پرورش می‌تواند مفهوم کارآفرینی را از نظر اقتصادی و اجتماعی معرفی کند.**

**کشورهای پیشرفته به‌طور جدی به آموزش کارآفرینی توجه کرده‌اند.**

برحسب محیط و سرعت خاص خود.

باتوجه به قابلیت‌های آموزش از راه‌دور و یادگیری باز، موسسه «IGNOU» در سال ۱۹۸۵ در هند تاسیس شد و مسئولیت معرفی، ترویج و هماهنگی سیستم آموزش از راه‌دور را در این کشور برعهده گرفت و آموزش دوس مربوط به کارآفرینی و مدیریت موسسات کوچک نیز برعهده یکی از کمیته‌های موسسه مزبور قرار گرفت (بررسی توسعه و... سال ۷۸، صص ۸۹-۸۷)

#### ۷ - مشاوره‌های مالی - فنی و مدیریتی

دولتها روز به روز علاقه‌مندتر می‌شوند تا از راه‌حلهای مختلف به بخش کسب‌وکارهای کوچک کمک کنند و از آنجا که کسب‌وکارهای جدید نیازمند مشاوره‌های مالی - فنی و مدیریتی هستند، دولتها می‌توانند با ایجاد مراکز مشاوره‌ای، خدمات مشاوره‌ای لازم را ارائه کنند. به‌عنوان نمونه در کشور کانادا، باتوجه به ماهیت متنوع خدمات در زمینه کارآفرینی، اکثر سازمانها و نهادهای حاضر در مجمع صنعت، INDUSTRY PORTFOLIO در امر مشاوره فنی - مدیریتی فعالیت (مجمع صنعت کانادا) متشکل از سازمانهای مختلف دولتی و تحقیقاتی است). علاوه بر آن شبکه موسوم به «شبکه مشاوران فناوری صنعتی» که به‌طور مشترک توسط مجمع صنعت و بخش خصوصی راهبری می‌شود، با بیش از ۱۵۰ شعبه در سراسر کانادا در امر مشاوره فنی مستقیم فعال است. همچنین می‌توان به برنامه موسوم به «طرح کمک‌های تحقیقات صنعتی» که توسط شورای ملی

۶ - آموزشهای از راه دور و رسانه‌ای یکی از روشهای آموزش کارآفرینی، آموزش از راه‌دور است که امروزه باتوجه به پیشرفت تکنولوژی اطلاعات (ویدئو، اینترنت، شبکه‌های سازمانی و...) انجام این نوع آموزش از پیشرفت زیادی برخوردار شده است.

آموزش از راه‌دور معرف سیستمی است که طبق آن یادگیرنده از راه دور توسط نهادهای مسئول آموزش می‌بیند. در این روش، یادگیرنده (فراگیر) بیشتر به خود متکی بوده و در هنگام ضرورت درخواست کمک خواهدکرد.

از آنجا که آموزش از راه‌دور نیازمند امکانات، تجهیزات و منابع مالی نسبتاً زیادی است، در کشورهای دنیا، عموماً این نوع آموزش توسط دولت یا با حمایت‌های دولتی صورت می‌گیرد به‌طور خلاصه اهداف آموزش از راه دور عبارتند از:

- الف - فراهم آوردن یک روش کارا و ارزان یادگیری برای فراگیران بزرگسال؛
- ب - تسهیل مقررات و روشهای پذیرش برای افرادی که نمی‌توانند طبق مقررات عادی و معمولی وارد دانشگاه شوند؛
- ج - ارائه فرصتی برای آموزش افرادی که قبلاً شغلی داشته‌اند و ادامه تحصیل شاغلان؛
- د - ارائه فرصت برای یادگیری آنهایی که در موقعیت نامناسبی قرار دارند (به علل دورافتادگی مکانی، عقب‌ماندگی اقتصادی و...)
- ه - ارائه فرصت یادگیری برای افرادی که علاقه‌مند به فراگیری دانش جدیدی هستند؛
- و - ارائه تسهیلات برای فراگیران جهت مطالعه

توسط دولت فدرال و دولتهای ایالتی تامین می‌شود.

مراکز تجارت بین‌المللی در کانادا نیز با مشارکت وزارت خارجه در مراکز استانها راه‌اندازی شده‌اند که وظیفه ایجاد کانال ارتباطی بین وابستگان بازرگانی کانادا در سایر کشورها با کارآفرینان داخلی را برعهده دارند (بررسی توسعه و... سال ۷۸، صص ۷-۳۶).

### برنامه سوم توسعه و آموزش کارآفرینی

در برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، موارد متعددی راجع به حمایت از کارآفرینان و ترویج فرهنگ کارآفرینی وجود دارد. در سیاستهای کلی برنامه سوم، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، از مجموع موارد ۳۶گانه در فصل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی، ده مورد اختصاص به اشاعه فرهنگ و روحیه خلاقیت، کار و تلاش و

کارآفرینی و همچنین ایجاد زمینه‌های مناسب و آموزش کارآفرینان و حفظ امنیت سرمایه‌گذاری و اصلاح مقررات به نفع کارآفرینان دارد. به گونه‌ای که در بند ۱۰ فصل اقتصادی، «حفظ امنیت سرمایه‌گذاری، اوج نهادن به سازندگی و کارآفرینی و حرمت دارائیهای ناشی از راههای قانونی و مشروع» و در بند ۱۶ فصل اقتصادی و آموزش و بازاریابی نیروی انسانی در سطوح گوناگون برای پاسخگویی به نیاز بنگاههای اقتصادی و فراهم ساختن مهارتها و تخصصهای لازم در همه سطوح» موردتوجه قرار گرفته است. در بند ۲۱ از فصل فرهنگی نیز «توجه به پرورش و شکوفایی استعدادها، تشویق خلاقیت و نوآوری علمی و تقویت امر پژوهش و بالابردن توان علمی و فناوری کشور» بیان شده است.

قانون برنامه سوم نیز باتوجه به سیاستهای کلی، لزوم توجه به آموزش و ترویج کارآفرینی را موردتاکید قرار داده است. در برنامه سوم مواد مختلفی (درحدود ۳۲ مورد) به موضوع کارآفرینی و کارآفرینان پرداخته است و در برخی از مواد نیز موضوع آموزش را موردتوجه قرار داده است، که برخی از این مواد بیان می‌گردد: در ماده ۵۱ قانون برنامه سوم آمده است که: «دولت موظف است به منظور توسعه کمی و کیفی مهارتهای فنی و حرفه‌ای نیروی کار و ارائه آموزشهای متنوع مهارتی به گروههای مختلف، نسبت به اختصاص سهمیه‌ای خاص در پرداخت پارانه سود تسهیلات به سرمایه‌گذاران بخش

خصوصی و تسامونی در زمینه ایجاد آموزشگاههای آزاد فنی و حرفه‌ای اقدام کند».

همچنین در بند الف ماده ۲۳ قانون برنامه سوم آمده است که: «کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای تولیدی و خدماتی دولتی مرتبط با امر صادرات مکلفند تا پایان اولین سال برنامه نسبت به راه‌اندازی مرکز اطلاع‌رسانی مربوط به خود، براساس طرح جامع اطلاع‌رسانی بازرگانی کشور اقدام کنند و خدمات اطلاع‌رسانی لازم را دراختیار متقاضیان داخلی و خارجی قرار دهند». به‌علاوه در بند ب همین ماده، وزارت بازرگانی مکلف گردیده که نسبت به راه‌اندازی شبکه جامع اطلاع‌رسانی بازرگانی کشور تا پایان سال دوم برنامه اقدام کند.

در ماده ۱۵۲ قانون برنامه سوم نیز ایجاد آموزشگاههای غیردولتی غیرانتفاعی به منظور توسعه دوره‌های کاردانی علمی - کاربردی با استفاده از اولویتهای تسهیلات بانکی موردتوجه قرار گرفته است.

همچنین در ماده ۱۶۷ قانون برنامه سوم آمده است که: «برای افزایش امکان دسترسی جامعه به آموزشهای عمومی و فنی و حرفه‌ای و ترویجی و آموزشهای عالی، دستگاههای اجرایی می‌توانند برنامه‌های خاص راه‌یویی و تلویزیونی تهیه و در چارچوب ضوابط سازمان صداوسیما برای پخش در زمان مناسب اقدام کنند».

به‌طورکلی در قانون برنامه سوم موضوع کارآفرینی به‌طور عام و آموزشهای مهارتی و فنی و حرفه‌ای به‌طور خاص در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موردتوجه قرار گرفته است. ولی از آنجا که معمولاً در قانون برنامه، موضوعات به‌صورت کلی بیان می‌شود و به جزئیات امر در آیین‌نامه‌های دولتی پرداخته می‌شود، بایستی برای اجرای مواد برنامه سوم در زمینه کارآفرینی و آموزشهای کارآفرینی، کارآفرینان واقعی (بالقوه و بالفعل) موردشناسایی قرار گیرند و تسهیلات لازم متناسب با سطح کارآفرینی و زمینه فعالیت دراختیار آنان قرار گیرد تا با بهبود مهارتهای کارآفرینانه، زمینه رشد و توسعه در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی جامعه فراهم شود.

### نتیجه‌گیری

آموزش کارآفرینی مقوله مهمی است که کشورهای پیشرفته در فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی نسبت به آن توجه جدی مبذول

داشته‌اند و پرورش کارآفرینان در اولویت برنامه‌های توسعه خود قرار داده‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که برنامه‌های پرورش کارآفرینان در کشورهای مختلف با سیاستگذاری و پشتیبانی‌های اجرایی دولتها به سرانجام رسیده است. این سیاستگذاریها و پشتیبانیها شامل: فرهنگ‌سازی و ترویج روحیه کارآفرینی، اصلاحات ساختاری و نهادسازی، ایجاد موسسات آموزشی دولتی - خصوصی، کمک به راه‌اندازی و اداره پرورشگاه کسب‌وکار کوچک، آموزش کارآفرینی از طریق مدارس، دانشگاهها و آژانس‌های دولتی، آموزش کارآفرینی از طریق آموزشهای از راه‌دور و رسانه‌ای، مشاوره‌های مالی - فنی و مدیریتی و اطلاع‌رسانی دولتی بوده است. باتوجه به تجربیات سایر کشورها می‌توان نتیجه گرفت که بایستی پرورش کارآفرینان در کشور را به‌عنوان گام اولیه توسعه تلقی کرد که این مهم بدون ایفای نقش فعالانه دولت محقق نخواهد شد. هرچند که در برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری

اسلامی ایران، مبحث کارآفرینی و ترویج فرهنگ کارآفرینی موردتوجه قرار گرفته است؛ ولی به‌رحال پرداختن به مقوله آموزش کارآفرینی نیازمند مکانیسم‌های اجرایی و عزم ملی در سابه همکاری دولت و بخش خصوصی است. □

### منابع و مأخذ

۱ - احمدپور محمود (دکتر) و همکاران، پروژه بررسی تجارب موفق، سیاستها و برنامه‌ها و اقدامات ده کشور جهان در زمینه توسعه و ترویج کارآفرینی، سال ۱۳۷۸.

۲ - برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران.

۳ - سالارزاد ملیتیر، مقدمه‌ای بر کارآفرینی، ترجمه: سیامک تطاق، سازمان بهره‌وری ملی ایران، سال ۱۳۷۶.

4 - INTERNATIONAL LABOUR OFFICE, NETWORKING FOR ENTREPRENEURSHIP DEVELOPMENT: SELECTED ENTREPRENEURSHIP DEVELOPMENT PROGRAMMS AND GUIDELINES FOR TRANSFER, GENEVA, 1998.

5 - PROKOPENKO JOSEPH & PAVLIN IGOR, ENTREPRENEURSHIP DEVELOPMENT IN PUBLIC ENTERPRISES, INTERNATIONAL LABOUR OFFICE, 1991.